

نمونه‌های دیگری از نوآوری در نگارش نمایشنامه

ترانه جوانبخت

نگارش نمایشنامه یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های ادبی است که برای آن نیاز به داشتن مهارت‌های مختلف است. یکی از عوامل لازم برای نوآوری در نمایشنامه‌نویسی داشتن دانش کافی برای آن است. عوامل دیگر برای نوآوری در نگارش نمایشنامه، داشتن استعداد، انگیزه و پشتکار است. نوآوری در نمایشنامه‌نویسی بر یکی از این چهار محور می‌باشد: ۱. نوآوری در محتوا و پرداختن به موضوع‌هایی که توسط دیگران نوشته نشده، ۲. ایجاد فرم و یا ساختار جدید در نمایشنامه، ۳. استفاده از عناصر جدید در نگارش متن نمایشنامه و ۴. ایجاد مفاهیم جدید در تئاتر. از این چهار نوع نوآوری، نوع چهارم آن از بقیه دشوارتر است و ذهنیت خاص نویسندگان محدودی در تاریخ تئاتر را نشان می‌دهد، نویسندگانی که مفاهیم موجود در تئاتر را برای سالیان متمادی دستخوش تغییرات بنیادین کردند. در این مقاله پس از بررسی مهارت‌های لازم برای نمایشنامه‌نویسی، به تحلیل این چهار نوع نوآوری در نگارش نمونه‌های دیگری از نمایشنامه خواهیم پرداخت.

چند نمونه از نمایشنامه‌های مختلف از جلد اول و دوم کتابم با عنوان "مراثن به توان فردا" که در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱ از وزارت ارشاد در تهران مجوز نشر گرفت را بررسی می‌کنم. در برخی از نمایشنامه‌هایم از موضوع‌های تاریخی استفاده کردم که تا به حال در نگارش نمایشنامه از آنها استفاده نشده بود. به عنوان مثال از پاریزاتیس همسر داریوش دوم هخامنشی، شاه عباس صفوی و افسانه کیومرث (نخستین انسان روی زمین به روایت فردوسی در شاهنامه)، تیمور لنگ، ارشک اول پادشاه اشکانیان در نمایشنامه‌هایم نوشته‌ام که این شخصیت‌های تاریخی قبل از نگارش نمایشنامه‌هایم توسط دیگر نویسندگان در نمایشنامه‌هایشان مورد استفاده قرار نگرفته بود. من از رویدادهای تاریخی مهم از جمله دوران محمد مصدق، آریو برزن که از ایران در مقابل سپاه اسکندر مقدونی دفاع کرد، جنگ اسراییل و لبنان و نیز تاریخ

ایتالیای معاصر و روم باستان یعنی حوادث دوران نرون امپراطور روم (که هم‌عصر لوکان شاعر و سنکا فیلسوف رومی بوده) در نمایشنامه‌هایم نوشتم که همه این موضوع‌ها در نگارش نمایشنامه، بکر و جدید محسوب می‌شوند. در نمایشنامه‌ام با عنوان "ماجراهای آقای خوش‌خیال" به موضوع لزوم فعالیت در حوزه‌های گوناگون پرداختم که این موضوع نیز قبل از من توسط دیگر نویسندگان مورد استفاده قرار نگرفته بود. از عناصر مهمی که در یکی از نمایشنامه‌هایم با عنوان "کیومرث در چهل‌ستون" استفاده کردم، حروف ابجد است که معادل اعداد میباشد و قبل از من، هیچ نویسنده‌ی دیگری از حروف ابجد در نگارش نمایشنامه استفاده نکرده بود. از اسامی ویژه و غیرمعمول برای شخصیت‌های نمایشنامه‌ام با عنوان "چند نفر؟" و نیز از فرم و ساختار جدید در این نمایشنامه و در نمایشنامه‌ی دیگرم با عنوان "دریا" استفاده کردم. در نمایشنامه‌هایم با عنوان "دریا" و "سردرد" از مفاهیم جدید، به ترتیب از مفهوم "یاهای تردید" و "سیالیت مفهوم صحنه در تئاتر" استفاده کردم که قبل از من هیچ نویسنده‌ای در نمایشنامه از این مفاهیم استفاده نکرده بود. "سیالیت مفهوم صحنه در تئاتر" چیست و چگونه میتوان از آن در نگارش نمایشنامه استفاده کرد؟ در نمایشنامه‌ام با عنوان "سردرد" که درباره جنگ اسراییل و لبنان نوشته‌ام با مفهوم صحنه در تئاتر بازی کرده‌ام به این معنا که صحنه در این نمایشنامه‌ی من تنها مفهوم فیزیکی ندارد، بلکه مفهوم صحنه از کلمه سردرد که وزیر جنگ اسراییل به دلیل ایجاد جنگ با لبنان ناخودآگاه دچارش می‌شود، تبدیل به مجسمه‌ای که در اتاق کار وزیر جنگ اسراییل است می‌شود و سپس تبدیل به یکی از چهار سیاه‌پوش (یکی از بازیگران باید این نقش را روی صحنه بازی کند) و نیز یکی از کلمه‌های متن نمایشنامه‌ام که کلمه آخر آن (فعل ادامه می‌دهند یعنی ادامه دادن این سردرد که به دلیل جنگ و نزاع میان افراد بشر) است، می‌شود و این سردرد سپس تبدیل به جاده‌ای می‌شود که در یک تابلو در خانه دوران کودکی او است و نیز مفهوم سردرد تبدیل به جاده‌ای می‌شود که صحنه پایانی در نمایشنامه‌ی من است. تا به حال کسی غیر از من درباره جنگ اسراییل و لبنان نمایشنامه ننوشته است و نیز تا به حال کسی به غیر از من مفهوم صحنه را در تئاتر از مفهوم فیزیکی آن خارج نکرده است. برای همه

نمایشنامه‌نویسان جهان، صحنه یک مفهوم صرفاً فیزیکی است که بازیگران وارد آن می‌شوند، روی آن جلوی مخاطبان بازی می‌کنند و سپس از صحنه خارج می‌شوند، در حالی که در نمایشنامه‌ی من با عنوان "سردرد"، مفهوم صحنه از معنای صرفاً فیزیکی (مجسمه) خارج می‌شود و معانی دیگر از جمله درد در ذهن، کلمه‌ی متن، شخصیت نمایشنامه (یکی از چهار سیاه‌پوش)، جاده در تابلو (باز هم معنای فیزیکی صحنه چون تابلو در صحنه نمایش باید قرار گیرد) و جاده پایان نمایش (معنای فیزیکی صحنه) را نیز دربراست یعنی صحنه از معنای فیزیکی به معنای غیرفیزیکی و سپس دوباره به معنای فیزیکی آن تغییر می‌کند و این "سیالیت مفهوم صحنه در تئاتر" را تا به حال کسی غیر از من در نمایشنامه به تصویر نکشیده است. مخاطبان این مقاله، چهارده نمایشنامه‌ی من از جلد اول و دوم کتابم با عنوان "ملاقاتن به توان فردا" که همگی درای مجوز نشر از وزارت ارشاد است را می‌توانند در بخش نمایشنامه از سایتم مطالعه کنند.